

جاویدان خرد

چهارم به هوشنگ پیشدادی

اردشیر آل علی

انتشارات مبنا

۱۳۹۲

سرشناسه : آل علی، اردشیر، ۱۳۴۹ -
 عنوان و نام پدیدآور : جاویدان خرد (پندنامه هوشنگ پیشدادی) / اردشیر آل علی.
 مشخصات نشر : تهران: انتشارات مینا، ۱۳۹۲.
 مشخصات ظاهری : ۱۲۰ ص.
 شابک : 978-964-6644-37-3
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 یادداشت : کتابنامه: ص. ۱۱۹.
 موضوع : ابن مسکویه، احمد بن محمد، ۳۲۰ - ۴۲۱ ق. . جاویدان خرد
 موضوع : اندرزنامه های فارسی
 موضوع : اندرزنامه های پهلوی
 موضوع : اخلاق ایرانی
 رده بندی کنگ : ۱۳۹۲ ج ۲ / آ ۷ / PIR ۴۰۰۰
 رده بندی نسبی : ۳۹۸/۹۱
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۱۸۹۸۱

انتشارات مینا

جاویدان خرد (پندنامه هوشنگ پیشدادی)

اردشیر آل علی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۲

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: طیف نگار

حروفچینی: شبستری

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۶۴۴-۳۷-۳

کلیه حقوق محفوظ و مخصوص به ناشر می باشد.

تلفن مرکز پخش: ۸۸۰۷۶۲۱۱ - ۸۸۰۸۱۶۵۷

فهرست مطالب

۹	پیشگفتار
۱۳	مقدمه
۱۵	پند و اندرز
۱۹	پندنامه‌های پهلوی
۲۲	جاویدان خرد
۲۶	خردنامه
۳۰	تاریخ گزیده
۳۲	نامه خسروان
۳۵	متن حاضر

۳۹	مقدمه ابوعلی مسکویه بر ترجمه کتاب جاویدان خرد
۴۳	جاویدان خرد
۹۱	مؤخره ابوعلی مسکویه بر ترجمه کتاب جاویدان خرد

۹۷	ضمائم
۹۹	خردنامه
۱۰۴	تاریخ گزیده
۱۰۸	نامه خسروان
۱۱۲	خارج از متن - دساتیر
۱۱۷	سخن خرد
۱۱۹	فهرست منابع
۱۲۰	اعتذار

پیشگفتار

مجموعه پندنامه‌های فارسی-ایرانی که کتاب حاضر اولین مجلد از آن می‌باشد، مجموعه‌ای است حاوی دو گروه اصلی:
گروه اول: پندنامه‌های فارسی با اصل فارسی بودن پندنامه — حاوی پندنامه‌هایی است که به صورت منفصل (مجزا) یا متصل (انضمام به کتب دیگر) در زبان فارسی وجود داشته، که با منفک و مستقل نمودن متن آنها (در صورت ممکن) و با اعمال دو ویژگی کهنه بودن متن^۱ و به نثر بودن آن، آنان را به دست نشر سپرده‌ایم.^۲

-
۱. آنجا که دو یا چند ترجمه مربوط به سال‌های مختلف از یک پندنامه موجود بوده، با اصل قرار دادن متن کامل‌تر و سپس کهنه‌تر سعی در رسیدن به مقصود کرده‌ایم.
 ۲. به علت معیار بودن کنونی زبان نثر و عدم پویایی زبان نظم در بیان مقصود (محدودیت آن به خاطر اعمال ضرورت شعری)؛ اما هرجا نتوانستیم ویژگی به نثر بودن را رعایت کنیم از آثار نظم استفاده کرده‌ایم.
 ۳. در این گروه از غیرایرانیانی که پندنامه‌ای در زبان فارسی از آنان باقی مانده است نیز استفاده کرده‌ایم.

گروه دوم: پندنامه‌های ایرانی، با اصل ایرانی بودن صاحب پند(نامه) — پندنامه‌هایی که صاحبانی ایرانی داشته را به همان روال و با همان ویژگی‌ها منتشر کرده‌ایم. مشخص است که چون معیار در این گروه ایرانی بودن صاحب پند است، آنجا که نتوانستیم پندنامه‌ای به زبان فارسی از شخص مورد نظر بیابیم، از ترجمه به دیگر زبان‌ها یا ترجمه حالیه آن سود جستیم.^۱

در این مجموعه سعی شده آنچه به زبان فارسی و گاه غیرفارسی در مقوله پند آمده — به صورت مجموعه^۲ از مشاهیر باقی مانده را، بازایی و منتشر کنیم.

مقصود بازآفرینی متون پند شده است که گاه مفقود و معدوم بوده‌اند — با متنی نزدیک به اصل تا بدین وسیله آثاری که ناشناخته یا کم شناخته‌اند معرفی خواننده — بخصوص فارسی زبان و مخصوصاً نسل جوان — با بخش کوچکی از میراث بزرگی که از فرهنگ و ادب گذشتگان به ارث رسید آنها شود.^۳ میراثی که نتیجه نبوغ و اندیشه حکما و گذشتگان این سرزمین است. حکمایی که سهمی بسزا در فرهنگ و اندیشه پند داشته‌اند.

۱. یادآوری می‌کنیم پندنامه‌هایی که ترجمه فارسی آنها مفقود است و ترجمه‌های آن به دیگر زبان‌ها در دست است در مجموعه پندنامه‌های ایرانی قرار می‌گیرند.

۲. غرض در این مجموعه صورت منفرد پند و اندرزها نبوده، که کتب ادبی و تاریخی ما گنجینه‌ایست از این گوهرها که به تفاریق در آن یافت می‌شود؛ گرچه موظف به جمع‌آوری و چاپ آنان نیز هستیم.

۳. آثاری که در صورت آشنایی گاه در دسترس عموم نیستند.

گرچه مشخص است که اندیشه حکما برای همه مردم و همه تمدن‌هاست.

این ذره‌ای است از ادای دین به فرهنگ ایرانی و زبان فارسی؛ شاید بدین وسیله انجام وظیفه‌ای شده باشد.

اردشیر آل علی

خرداد ۱۳۹۲

پند و اندرز

پند و اندرز را این آیه که شخص نسبت به آن آگاهی داشته و دعوت دیگران برای عمل به آن «معنا کرده‌اند و بنابراین حوزه فعالیت آن در حیطه اخلاقیات است» و بر این اساس در تقسیم‌بندی علوم جزء حکمت عملی رده‌بندی می‌شود.

نصیحت در میان تمام جوامع بشری و از دیرباز وجود داشته و به این دلیل نمی‌توان ملک خاصی را مؤلف آن دانست. پند و اندرز حاصل و نتیجه تجربیات نوع بشر است. در مقابل مسائل پیش‌آمده در زندگی روزمره‌اش که آن را به صورت یک زبان موجز و کوتاه — اما با بار معنایی زیاد — به دیگران و به نسل‌های بعد خود منتقل می‌سازد و بدین گونه حفظ می‌شود. ابتدایی‌ترین صورت این موضوع، وعظ والدین است به فرزندان. والدینی که خود را در مقابل آنچه برای فرزندان پیش آمده مسئول می‌دانند و نگران تشخیص راه درست از سوی آنان هستند، با پند و نصیحت آنان می‌خواهند آموزه‌ها و تجربیات خود را به صورت

آگاهی و هشدار محض — و برای آنکه فرزند بتواند راه صحیح را انتخاب کند — به آنان منتقل سازند.

اگر از پندهایی که در دایره روابط خانوادگی است بگذریم، به دسته‌ای از نصایح می‌رسیم که صورت عمومی دارند. این گونه اندیشه‌ها از جنبه خصوصی و بین‌خانواده‌ای خارج شده و بین افراد جامعه عمومیت یافته و در اصل حاصل تجربیاتی است که به مرور زمان مهم آمده و برای مدتی طولانی سینه به سینه از والدین به فرزندان و از نسلی به نسل دیگر رسیده. این جنبه طول زمان و بیان شفاهی پیش و اندرز سبب گردیده که نتوان برای دوره شکل‌گیری آن زمان دقیقی را معین و یا برای سازنده آن شخص خاصی را معرفی کرد. تا این زمان آن گاه در طول اعصار و قرون محو شده و شخص خاص موجود آن در هاله‌ای از گمنامی، ابهام یا سرگردانی (میان چند شخصیت به‌عنوان صاحب آن پند) قرار می‌گیرند، اما چون پند به نصیحت در نزد مردم صورت ارزشمندی داشته و دارد و بر این اساس که مردم معتقدند سخن بزرگ از شخص بزرگ صادر می‌گردد عموماً آن را به کسی منتسب می‌سازند.

این انتساب ممکن است به صاحب قوم (رهبر، پادشاه) یا شخص بصیر و آگاه آن جامعه (وزیر، حکیم...) یا حتی به داعی به مرامی مذهبی (پیغمبر، رهبر دینی...) برگردد.^۱

۱. که در این صورت (ارجاع پند و اندرز به شخصیت دینی و مذهبی) آن پند و نصیحت به‌نام پندهای دینی شهره می‌گردد و در ادبیات اسلامی به‌نام حدیث نامبردارند.

در عصر کتابت همیشه نویسندگان خوش ذوقی بوده‌اند که با نوشتن آنچه تا به حال سینه به سینه گشته و به آنان رسیده، صورت مکتوب به این پند و اندرزها بدهند. آنان اینگونه سخنان را از صورت شفاهی (نقلی و شنیداری) خود به صورت ثابت و پایدارتری (کتابت شده) درآورده‌اند و بدین شکل قوم را صاحب میراثی مکتوب و ماندگار می‌کنند.

هر یک از این دو نوع علم دانست اما در طول تاریخ برخی از اقوام و ملل بودند که به وجود آوردن آن شهره شده‌اند.

از این ملل قدیم و مشهور می‌توان به مردم هندوستان و اقوام هندی اشاره کرد؛^۱ که دانش کلاسه دمنه آن سرزمین شهره عام و خاص است و نیاز به بازگویی ندارد و خود شاهی است بر صحت این مدعا.^۲

از دیگر این ملل می‌توان به مردم سرزمین ایران (اقوام ایرانی) اشاره کرد که در همسایگی هندیان روزگار گذرانده‌اند. این اشتراک فکری شاید متأثر از اشتراک قومی آن دو سرزمین و مردم آن باشد.

۱. اینکه علت این مولد بودن چیست به درستی مشخص نیست و با صراحت نمی‌توان عامل خاصی را موجد آن دانست.

۲. نمی‌توان حکم کرد که آرامش اجتماعی مردم هند باعث به وجود آمدن اینگونه حکمت در میان آنان گردیده یا نهاده شدن اینگونه حکمت در میان آنان سبب آرامش اجتماع آنان بوده.

و یا شاید برمی‌گردد به تأثیر همجواری آن دو سرزمین. اما دلیل آن هرچه باشد، به هر حال نمی‌توان تأثیر هم‌ریشگی دو ملت در به‌وجود آمدن این گونهٔ علم در میان آنان را مد نظر نداشت.

www.ketab.ir